

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌سنجی

دوره پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ✓

مدیر مسئول: دکتر حمزه گنجی ✓

سردبیر: دکتر حسن پاشاشریفی ✓

مدیر اجرایی: دکتر مهرداد ثابت ✓

کارشناس اجرایی: ته‌مینه شمس مشه‌دی ✓

ویراستار علمی: دکتر محمدرحیم رسولی آزاد ✓

مترجم و ویراستار ادبی: دکتر حسن پاشاشریفی ✓

نمونه خوان: ته‌مینه شمس مشه‌دی ✓

طراح جلد: علی رضا علی احمدی ✓

صفحه آرایی: فاطمه جلالی نیا ✓

ترتیب انتشار: فصلی ✓

گستره انتشار: بین‌المللی ✓

شماره مجوز سازمان مرکزی ✓  
۸۷/۴۲۷۳۵۹

۹۰/۱۱/۱۵

مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ✓

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ✓

نشانی: رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده روان‌شناسی - علوم ✓

اجتماعی

تلفن و فکس: ۷۶۵۰۴۲۶۲ ✓

با همکاری سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، انجمن علمی روان‌شناسی بالینی ایران، انجمن روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان ایران و انجمن روان‌شناسی ایران

## شورای نویسندگان:

## مشاوران این شماره:

- دکتر عبدالله امیدی، استادیار
- دکتر مجتبی حبیبی، استادیار
- دکتر علی اکبر سیف، استاد
- دکتر حسن پاشا شریفی، استاد
- دکتر علی عسگری، استادیار
- دکتر فتحی آشتیانی، استاد
- دکتر حمزه گنجی، استاد
- دکتر فرح لطفی کاشانی، دانشیار
- دکتر جعفر نجفی زند، استادیار
- دکتر شهرام وزیری، دانشیار
- دکتر کیانوش هاشمیان، دانشیار
- دکتر حمید یعقوبی، استادیار
- دکتر حسن پاشا شریفی
- دکتر حمزه گنجی
- دکتر نسترن شریفی
- دکتر مالک میرهاشمی

### شرایط پذیرش مقاله

- مقاله باید با فونت نازنین ۱۲ در سیستم word تایپ و فایل آن به ایمیل [ravan.sanji@yahoo.com](mailto:ravan.sanji@yahoo.com) ارسال و سه نسخه پرینت آن به دفتر فصلنامه فرستاده شود. مقاله‌ای پذیرفته می‌شود که ویژگی‌های زیر را داشته باشد:
- ۱- به حیطه روان‌سنجی مربوط شود و جنبه پژوهشی داشته باشد.
  - ۲- ترتیب زیر را رعایت کند: چکیده (خلاصه) به زبانهای فارسی و انگلیسی، واژه‌های کلید به زبانهای فارسی و انگلیسی، مبانی نظری و عملی (ادبیات تحقیق)، ویژگیهای شرکت‌کنندگان، ابزار یا ابزارهای مورد استفاده، روش اجرا (طرح تحقیق) نتایج به دست آمده، تفسیر و نتایج، و منابع.
  - ۳- چکیده باید شش عنصر اصلی مقاله را شامل شود: هدف، فرضیه، شرکت‌کنندگان، ابزار، روش اجرا و نتایج به دست آمده. چکیده، حداکثر باید در ۲ صفحه نوشته شود و نباید پاراگراف داشته باشد. هدف چکیده این است که بیشترین اطلاعات مربوط به عناصر اصلی تحقیق را، خیلی سریع، در اختیار خواننده قرار دهد.
  - ۴- رسم‌الخط و آیین نگارش رعایت شود، جملات باید غیرشخصی باشد، یعنی در نوشتن آن از افعال مجهول استفاده شود.
  - ۵- منابع باید الفبایی و به ترتیب زیر تنظیم شود: نام خانوادگی و نام صاحب اثر، تاریخ چاپ کتاب، اسم کتاب با حروف سیاه یا ایتالیک، محل نشر و ناشر (روش APA).
  - ۶- مقاله‌های ارسالی عودت داده نمی‌شود.
  - ۷- فصلنامه در ویراستاری مقاله آزادی عمل خواهد داشت.
  - ۸- صاحبان مقاله در مقابل نوشته‌های خود مسئول خواهند بود.
  - ۹- فصلنامه در پذیرش یا عدم پذیرش مقاله‌های رسیده آزاد خواهد بود.

## این فصلنامه

الف: طی نامه شماره ۸۷/۴۲۷۳۵۹ به تاریخ ۹۰/۱۱/۱۵ به تأیید کمیسیون بررسی و تأیید نشریات دانشگاه آزاد اسلامی (سازمان مرکزی) رسیده است.

ب: طی تفاهم نامه شماره ۹۳۱/۳۲ به تاریخ ۹۳/۱۰/۲۲ با حمایت انجمن علمی روان شناسی بالینی ایران منتشر می شود.

ج: طبق فهرست شماره سه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ جزء مجلات علمی- پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی قرار گرفته است. اعضاء هیئت علمی، دانشجویان دوره های دکتری و کارشناسی ارشد، می توانند با چاپ مقاله در این نشریه، امتیاز لازم را کسب کنند. به منظور دستیابی به مجلات دانشگاه آزاد اسلامی، می توان از لینک نشیبه در سامانه <http://eval.journals.iau.ir> استفاده کرد.

## فرم اشتراک فصلنامه علمی - پژوهشی روان سنجی

علاقه مندان برای مطالعه منظم فصلنامه، می توانند فرم زیر یا کپی آن را تکمیل کنند و به نشانی دفتر فصلنامه بفرستند.

متقاضیان باید برای اشتراک یک ساله، مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به شماره حساب سیبای ۰۱۰۵۸۷۰۵۸۷۰۰۰ به نام معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی) واریز و اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک برای ما ارسال دارند. هزینه اشتراک برای هر شماره تکی مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال است.

**نشانی:** رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، مجتمع دانشگاهی، دانشکده روان شناسی - علوم اجتماعی  
نشانی الکترونیک: [ravan.sanji@yahoo.com](mailto:ravan.sanji@yahoo.com)  
تلفن: ۰۲۱۷۶۵۰۳۹۳۹

نام و نام خانوادگی / مؤسسه: ..... شغل: .....

سمت: ..... محل کار: .....

میزان تحصیلات: ..... تلفن: .....

شروع اشتراک از شماره: ..... تعداد نسخه دریافتی از هر شماره: ....

شماره فیش / حواله بانکی: ..... تاریخ: ..... شعبه: .....

نشانی: .....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	آزمون تغییرناپذیری جنسیتی در روابط بین صفات شخصیت، حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی: رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری.....صادق تقی‌لو، رامین لطافتی
۳۰	تحلیلی بر ارتباط و تمایز دو نوع خلاقیت هیجانی و شناختی از یکدیگر براساس عامل‌های آن..... دردانه اصغری، نسترن شریفی
۵۱	هنجاریابی مقیاس ادراک نوجوانان از شیوه‌های تربیتی والدین و مقایسه مؤلفه‌های آن در دختران و پسران شهر تهران .....دکتر نرگس باباخانی، دکتر الهه حجازی موغانی و دکتر حسن پاشا شریفی
۶۹	ساخت و هنجاریابی پرسشنامه‌ای جهت شناسایی افراد در معرض اعتیاد و مصرف مواد براساس پرسشنامه‌های مدل پنج‌عاملی شخصیت، هوش هیجانی و تاب‌آوری .....هاشم جبرائیلی
۸۷	بررسی ساختار، روایی عاملی و اعتبار ابزار کیفیت تدریس در علوم رفتاری ..... احمد رضایی و مسعود گرامی پور
۱۰۵	ارائه مدل رتبه‌بندی عملکرد شغلی ماماها‌ی مراکز بهداشتی درمانی استان کرمان در ارائه مراقبت‌های دوران بارداری .....محمد رضا محمدی سلیمانی، شهرزاد سنجری و شیما سنجری
۱۲۱	ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باورهای خودکارآمدی تحصیلی پنتریچ و دی‌گروت ..... مهران مکرمی، علی محمد رضایی، حسین سیری و محسن اسمعیلی
۱۳۵	بررسی اثربخشی آموزش راهبرهای شناختی و فراشناختی و روش مطالعه پس‌ختم در کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر رودهن .....نرگس شهری، شهرام وزیری و فرح لطفی



تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۴/۱۴

فصلنامه علمی - پژوهشی روان سنجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۱۵

دوره پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

صفحات ۲۹-۷

آزمون تغییرناپذیری جنسیتی در روابط بین صفات شخصیت، حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی: رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری

## Testing the gender invariance in relations between personality traits, social problem solving and subjective- well-being: The structural equation modeling approach

صادق تقی‌لو<sup>۱</sup>، رامین لطافتی

### چکیده

### Abstract

Present research compared the relation between subjective well-being, social problem solving dimensions (constructive problem solving and dysfunctional problem solving), neuroticism and extraversion latent variables among male and female students using structural equation modeling (SEM). After drawing path among variables the research model was built and structural equation modeling (SEM) were used for testing the mediating role of the gender in those relations. Data collected from 536 university students (261 male and 285 female) that completed Big Five Factor personality and social problem solving inventories and subjective well-being scales. Results indicate

**مقدمه:** بهزیستی ذهنی حوزه‌ای از روان‌شناسی مثبت است که از سال ۱۹۶۰ توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. **هدف:** پیش بینی بهزیستی ذهنی براساس متغیرهای مکنون صفات شخصیت (عامل‌های روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی) و ابعاد حل مسئله اجتماعی (حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی) و آزمون تغییرناپذیری جنسیتی در روابط بین متغیرهای مکنون پژوهش، دو هدف عمده پژوهش حاضر است. **مواد و روش‌ها:** داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های حل مسئله اجتماعی و پنج عامل بزرگ شخصیت و مقیاس‌های بهزیستی ذهنی از ۵۴۶ دانشجوی (۲۶۱ پسر و ۲۸۵ دختر) که به روش نمونه-

۱. نویسنده مسئول استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، آستارا، ایران. s.taghiloo@iau-astara.ac.ir

that in spite of same fitting in measurement model, there is no similarity between men and women in structural model in respect to data fitting. Comparison results which was made between structural models of men and women makes it clear that among men, subjective well-being can be predicted strongly by neuroticism as compared to women and among women constructive problem solving and dysfunction problem solving can be predicted by extraversion in better manner as compared to men. And in comparospn to men subjective well - being can be predicted strongly by dysfunction problem solving among women. The results of this research emphasis on mediating role of gender in studying the relation between personality, social problem solving and subjective well- being. The findings suggest that general health professionals and therapists should consider the important role of gender in studying and explaining the influence of personality and social problem solving on subjective well-being. Repetition of this result by the longitudinal study is necessary.

**Keywords:** Mental well - being, personality traits, costing structural equation model immutableness, gender.

بررداری چند مرحله‌ای از واحدهای دانشگاه آزاد استان تهران در انتخاب شده بودند، گردآوری شد. نتایج: استفاده از روش مدل - یابی معادلات ساختاری نشان داد، متغیرهای مکنون صفات شخصیت و ابعاد حل مسئله اجتماعی ۴۷ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند. آزمون تغییرناپذیری رابطه بین متغیرهای پژوهش در بین دو جنس نیز نشان داد که روان‌رنجورخویی در مردان قوی‌تر از زنان بهزیستی ذهنی را پیش بینی می‌کند و برون‌گرایی در زنان قوی‌تر از مردان حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر- انطباقی را پیش‌بینی می‌کند و حل مسئله غیرانطباقی در زنان قوی‌تر از مردان بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر به منظور درک بهتر عوامل پیش‌بینی کننده بهزیستی‌ذهنی، نیاز به مطالعه آن با توجه به نقش جنسیت را مورد تأکید قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** بهزیستی ذهنی، صفات شخصیت، مدل‌یابی معادلات ساختاری، تغییرناپذیری، جنسیت



## مقدمه

بهبودی ذهنی، مفهومی سلسله‌مراتبی و چندبعدی است که از دو وجه شناختی و عاطفی تشکیل شده است. مؤلفه رضایت از زندگی<sup>۱</sup>، وجه شناختی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت<sup>۲</sup> و عدم حضور عاطفه منفی<sup>۳</sup>، وجه عاطفی آن است (ریسامب<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). براساس مطالعات انجام شده از بین متغیرهای درون‌فردی و برون‌فردی عامل‌های روان‌رنجور خوبی<sup>۵</sup> و برون‌گرایی<sup>۶</sup>، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های بهبودی ذهنی محسوب می‌شوند (گومز و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹؛ استیل و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ هاریس و لیکتسی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ گانن و رازین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵؛ لنت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴؛ استیل و اونز<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲؛ کییز و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲). برخی از پژوهشگران در تبیین رابطه بین عامل‌های شخصیت و بهبودی ذهنی به عوامل ژنتیکی اشاره می‌کنند و بر این باورند که عوامل ژنتیکی مشترک، احتمالاً مهم‌ترین علت رابطه قوی بین آن دو متغیر است (استیل و همکاران، ۲۰۰۸؛ دینر و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۹).

حل مسئله اجتماعی<sup>۱۵</sup> هم از متغیرهای درون‌فردی است که در مبحث بهبودی ذهنی مورد توجه قرار گرفته است (دیزریلا و نزو، ۱۹۹۶<sup>۱۶</sup> به نقل از مک گوئر<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۱). دیزریلا و نزو (۲۰۰۱) حل مسئله اجتماعی را فرایندی شناختی - رفتاری تلقی می‌کنند که: الف) گستره‌ای از پاسخ‌های اثربخش بالقوه را برای مواجهه با موقعیت‌های مسئله ساز در دسترس قرار می‌دهد و ب) احتمال انتخاب بهترین پاسخ اثربخش را از بین جایگزین‌های مختلف افزایش می‌دهد. به زعم دیزریلا و نزو (۱۹۹۶؛ به نقل از مک گوئر، ۲۰۰۱) حل مسئله اجتماعی یک فرایند چندبعدی تعاملی است که از دو مؤلفه اصلی نسبتاً مستقل جهت‌گیری نسبت به مسئله<sup>۱۸</sup> و مهارت‌های حل مسئله یا «سبک‌های حل مسئله»<sup>۱۹</sup> تشکیل شده است. مؤلفه جهت‌گیری نسبت به مسئله دو عامل جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله<sup>۲۰</sup> و جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله<sup>۲۱</sup> را دربرمی‌گیرد و مؤلفه مهارت‌های حل مسئله نیز سه عامل حل منطقی مسئله<sup>۲۲</sup>، سبک بی‌دقتی/تکانشی<sup>۲۳</sup> و سبک اجتنابی<sup>۲۴</sup> را در بر می‌گیرد.

مدل حل مسئله اجتماعی دیزریلا و نزو (۱۹۹۰) نسخه جدیدی از مدل پردازش اطلاعات درباره حل مسئله قلمداد می‌شود. چنین فرض می‌شود که حل مسئله اجتماعی از دو بُعد تشکیل شده

- |                                  |                    |                                  |
|----------------------------------|--------------------|----------------------------------|
| 1. life satisfaction             | 2. positive affect | 3. absence of negative affect    |
| 4. Røysamb                       | 5. Neuroticism     | 6. Extraversion                  |
| 7. Gomes & et al                 | 8. Steel & et al   | 9. Harris & Lightsey             |
| 10. Gannon & Ranzijn             | 11. Lent           | 12. Ones                         |
| 13. Keyes & et al                | 14. Diener & et al | 15. social problem solving       |
| 16. D'Zurilla & Nezu             | 17. McGuier        | 18. problem orientation          |
| 19. problem solving styles       |                    | 20. positive problem orientation |
| 21. negative problem orientation |                    | 22. Rational problem solving     |
| 23. impulsive/carelessness style |                    | 24. avoidance style              |

است که بعد کارآمد آن حل مسئله انطباقی<sup>۱</sup> و بعد ناکارآمد آن حل مسئله غیرانطباقی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. زمانی که فرد در مواجهه با مسئله با یک جهت گیری مثبت و با به کارگیری مهارت‌های حل منطقی مسئله<sup>۳</sup> اقدام به حل مسئله کند، رویکرد او به مسئله، انطباقی است و زمانی که فرد در مواجهه با مسئله با جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله<sup>۴</sup>، یا شیوه تکانش‌گری اقدام به حل مسئله کند یا از مواجهه با مسئله اجتناب کند در آن صورت رویکرد او به حل مسئله، غیرانطباقی است.

پژوهش حاضر دو هدف را دنبال می‌کند: اول بررسی روابط بین صفات شخصیت (عامل‌های روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی)، حل مسئله اجتماعی (حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر-انطباقی) و بهزیستی‌ذهنی با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری. این موضوع بدان علت مورد علاقه پژوهشگران واقع شده است که علی‌رغم مطالعات فراوان درباره همبستگی دوجه‌دو متغیرهای فوق، هیچ پژوهشی متغیرهای فوق را در قالب یک مدل مورد توجه قرار نداده است. دوم، آزمون تغییرناپذیری جنسیتی در رابطه بین متغیرهای پژوهش بررسی نقش جنسیت در رابطه بین متغیرهای پژوهش حاضر از آن جهت مهم است که برخی پژوهش‌های انجام شده تأثیر جنسیت در رابطه بین شخصیت و بهزیستی‌ذهنی (برنز و ماچین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و رضایت از زندگی و عزت نفس (زانگ و لئونگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) را نشان داده‌اند. به عنوان مثال برنز و ماچین (۲۰۱۰) نشان دادند که رابطه بین عامل سازگاری و عاطفه منفی در مردان بر خلاف زنان معنی‌دار نیست و زانگ و لئونگ (۲۰۰۲) نشان دادند که رابطه بین عزت نفس جمعی<sup>۶</sup> و بهزیستی‌ذهنی در مردان به‌طور معنی‌داری قوی‌تر از زنان است. از طرف دیگر مطالعات پیشین نشان داده‌اند که زنان در مقایسه با مردان، افسردگی (هولسن و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ پترسن و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱) و استرس (فریدن‌برگ و لویز<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶) بیشتری گزارش می‌کنند. برخی از مطالعات نیز نشان داده‌اند که زنان در مقایسه با مردان به‌طور باثباتی در تجربه عواطف منفی، نمره‌های بالاتری گزارش می‌کنند (سیناروسکی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰؛ کندلر و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۱؛ نالن - هوکسیما<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۵). با وجود این گروه دیگری از مطالعات نشان داده‌اند که زنان در مقایسه با مردان بهزیستی بالاتری را گزارش می‌کنند (انگلهارت، ۱۹۹۰ به نقل از پاوت، ۲۰۰۴؛ شوموتکین، ۱۹۹۰ به نقل از پاوت، ۲۰۰۴؛ وایت<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۲ به نقل از پاوت، ۲۰۰۴). به هر حال این یافته که زنان در مقایسه با مردان از بهزیستی‌ذهنی بالاتری برخوردارند با این موضوع که افسردگی در زنان شایع‌تر از مردان است (ایاتون و کسلر<sup>۱۵</sup>،

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| 1. constructive social problem solving | 2. dysfunction social problem solving |
| 3. rational problem solving            | 4. negative problem solving           |
| 5. Burns & Machin                      | 6. Zhang & Leung                      |
| 7. collective self – esteem            | 8. Holsen & et al                     |
| 9. Petersen & et al                    | 10. Frydenberg & Lewis                |
| 11. Cynarowki & et al                  | 12. Kendler & et al                   |
| 13. Nolen-Hoeksema                     | 14. White                             |
| 15. Eaton & Kessler                    |                                       |

۱۹۸۱؛ به نقل از پات و دینر، ۲۰۰۴) و گزارش‌های عواطف ناخوشایند در زنان بیشتر از مردان است (نولن - هویکسیما، ۲۰۰۵)، هم‌خوانی ندارد.

ریسامب (۲۰۰۶) معتقد است بهزیستی ذهنی زنان و مردان تحت تأثیر عامل‌های متفاوتی قرار دارد. راب و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) همسو با ادعای ریسامب (۲۰۰۶) نشان دادند که عامل شخصیت بر بهزیستی زنان و مردان تأثیر متفاوتی دارد. آنها در پژوهش خود نشان دادند که عامل برون‌گرایی در مردان متأهل جوان بر افسردگی تأثیر مستقیم دارد و رابطه بین ناتوانی کنشی<sup>۲</sup> و افسردگی را در آنها تعدیل می‌کند. این در حالی است که برون‌گرایی در زنان متأهل جوان، رابطه معنی‌داری با افسردگی و رضایت از زندگی ندارد. نتایج مطالعه پتاجک و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) نیز نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در نشانه‌های افسردگی با تفاوت‌های جنسیتی در عامل‌های برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی یا تفاوت‌های جنسیتی در ارزیابی موقعیت‌ها به عنوان تهدید و چالش، رابطه دارد. به طوری که مردان روان‌رنجورخو بیشتر از زنان روان‌رنجورخو، استرسورها را به عنوان عوامل تهدید طبقه بندی می‌کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده (گومز و همکاران، ۲۰۰۹؛ ابوت و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ هاریس و لیقتسی، ۲۰۰۵) در پژوهش حاضر انتظار می‌رود: ۱. روان‌رنجورخویی با بهزیستی ذهنی رابطه منفی و برون‌گرایی با بهزیستی ذهنی رابطه مثبت داشته باشد. ۲. حل مسئله انطباقی با بهزیستی ذهنی رابطه مثبت و حل مسئله غیرانطباقی با بهزیستی ذهنی رابطه منفی داشته باشد. همچنین در پژوهش حاضر انتظار می‌رود با توجه به یافته‌های مطالعه گومز و همکاران (۲۰۰۹)، راب و همکاران (۲۰۰۸) و ریسامب (۲۰۰۶) روابط بین عامل‌های شخصیت، ابعاد حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته باشند.

## روش

گروه نمونه پژوهش حاضر شامل ۵۴۶ (۲۶۱ پسر و ۲۸۵ دختر) دانشجوی دوره کارشناسی بودند که با استفاده از روش نمونه برداری خوشه‌ای چند مرحله‌ای<sup>۵</sup> از دانشگاه‌های آزاد اسلامی واقع در استان تهران انتخاب شدند. رشته‌های تحصیلی گروه نمونه عبارت بودند از: مهندسی صنایع، مهندسی پلیمر و مهندسی نفت (از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)، زبان انگلیسی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی (از دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن)، زمین‌شناسی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری (از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر)، مهندسی کشاورزی، مدیریت و حقوق (از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج). دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۷-۳۲ و میانگین سنی برای دختران ۲۲/۰۸ (SD = ۲/۹۸) و برای پسران ۲۲/۵۳ (SD = ۳/۳۲) بود. در این پژوهش ابزار زیر به

1. Robb & et al  
4. Abbott & et al

2. functional disability  
5. multistage sampling

3. Ptacek, Smith & Zanas

الف) پرسشنامه حل مسئله اجتماعی - فرم کوتاه تجدید نظر شده (SPS-R:SF): این پرسشنامه به وسیله دیزریلا و همکاران (۲۰۰۲) برای اندازه‌گیری پاسخ‌های شناختی، عاطفی و رفتاری به موقعیت‌های حل مسئله‌ای در زندگی واقعی طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال است که بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای به هیچ وجه در مورد من صدق نمی‌کند (صفر) تا کاملاً در مورد من صدق می‌کند (۴) درجه بندی شده است. نیمی از سؤال‌ها به صورت مثبت (مثل «به نظر من هر مسئله‌ای قابل حل است») و نیم دیگر به صورت منفی (مثل «برای ارزیابی نتایج تلاش، وقت صرف نمی‌کنم») بیان شده است. این پرسشنامه از پنج خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله، جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، حل منطقی مسئله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه را صالحی، کوشکی، سپاه منصور و تقی‌لو (۱۳۸۸) در ایران، بررسی کرده‌اند و آنها ضریب پایایی عامل‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ، محاسبه و ضریب محاسبه شده را برای عامل‌های جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله، جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، حل منطقی مسئله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱/۷۷، ۰/۸۰، ۰/۷۳ و ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. همچنین آنها روایی همگرای این پرسشنامه را با استفاده از دو عامل روان‌رنجورخویی و برونگرایی پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت، بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله و حل منطقی مسئله با عامل برونگرایی شخصیت به صورت مثبت و با عامل روان‌رنجورخویی آن به صورت منفی همبسته است. نیز مؤلفه‌های جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی و سبک اجتنابی پرسشنامه حل مسئله اجتماعی با عامل برونگرایی شخصیت به صورت منفی و با عامل روان‌رنجورخویی آن به صورت مثبت همبسته‌اند.

ب) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (BFI): این پرسشنامه ویژگی‌های اصلی پنج عامل را با عبارات کوتاه اندازه‌گیری می‌کند. گفتنی است که احساس نیاز نسبت به اندازه‌گیری مؤلفه‌های اصلی پنج عامل شخصیت با عبارات کوتاه، جان و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)؛ به نقل از کورتکو و هانا<sup>۲</sup>، (۲۰۰۴) را به ساخت BFI ترغیب کرد. بر این اساس، BFI اندازه‌گیری مؤثر و منعطف ابعاد پنج‌گانه شخصیت را وقتی اندازه‌گیری متمایز وجوه فردی منظور نظر نیست، فراهم می‌کند (جان و سریواستاوا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). پرسشنامه پنج عامل (جان، دوناهو و کنتل، ۱۹۹۱)؛ به نقل از جان و سریواستاوا، (۱۹۹۹) شامل ۴۴ سؤال با عبارت کوتاه است که روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ درجه‌بندی شده است. (رامستد و جان، ۲۰۰۷). ضریب آلفای

1. John &amp; et al

2. Korotkove &amp; Hannah

3. Srivastava

کرونباخ دو عامل برون‌گرایی و روان رنجورخویی در مطالعه عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۹۱) به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ گزارش شده است. ضمن این که آنها ضریب همبستگی بین عامل روان رنجورخویی شخصیت را در ایران بررسی کردند. آنها ضریب پایایی عامل‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب محاسبه شده را برای هر یک از عامل‌ها مطلوب توصیف کردند. عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۹۱) ضرایب همبستگی بین دو عامل روان رنجورخویی و برون‌گرایی پرسشنامه پنج عامل شخصیت را با مؤلفه‌های سه‌گانه پرسشنامه مقابله با استرس اندلر و پارکر (۱۹۹۰) محاسبه و ملاحظه کردند که روان رنجورخویی با سبک مقابله مسئله‌مداری به صورت منفی و دو سبک مقابله هیجان‌مداری و اجتنابی به صورت مثبت همبسته است. همچنین آنها ضریب همبستگی بین عامل برون‌گرایی و مسئله‌مداری را مثبت و همبستگی آن با دو سبک مقابله دیگر را منفی و معنی‌دار گزارش کردند. این یافته بیانگر روایی همگرایی عامل‌های روان رنجورخویی و برون‌گرایی شخصیت است.

ج) مقیاس بهزیستی ذهنی: این پرسشنامه را کیزی و همکاران (۲۰۰۲) تهیه کرده و شگری و همکاران (۱۳۸۶) در ایران از آن استفاده کرده‌اند. در این پرسشنامه، بهزیستی ذهنی به نمره‌های به دست آمده از مقیاس‌های عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی اشاره می‌کند (کیزی و همکاران، ۲۰۰۲). مؤلفه رضایت کلی از زندگی با یک مقیاس تک‌سؤالی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب به کمک شش عبارت مثبت و منفی ارزیابی می‌شود. در این پرسشنامه شرکت‌کنندگان باید میزان رضایت‌مندی خود از زندگی را- در مجموع- روی یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای از صفر (بدترین شرایط ممکن) تا ۱۰ (بهترین شرایط ممکن) مشخص کنند. گستره‌ای از مطالعات بر وجود ویژگی‌های روان‌سنجی قابل قبول در این مقیاس تأکید می‌کنند (کیزی و همکاران، ۲۰۰۲). در مقیاس عاطفه مثبت، شرکت‌کنندگان باید با استفاده از شش نشانگر از قبیل «بشاش»<sup>۱</sup>، «دارای روحیه خوب»<sup>۲</sup>، «فوق‌العاده شاد»<sup>۳</sup>، «آرام و آسوده»<sup>۴</sup>، «راضی»<sup>۵</sup> و «سرزنده»<sup>۶</sup> وضعیت خود را روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (هیچ وقت) تا ۵ (تمام اوقات) مشخص کنند. در مقیاس عاطفه منفی شرکت‌کنندگان وضعیت خود را در ۳۰ روز گذشته، روی ۶ نشانگر «آن‌قدر غمگین‌ام که هیچ چیز نمی‌تواند مرا سرحال بیاورد»<sup>۷</sup>، «عصبی»<sup>۸</sup>، «ناآرام یا بی‌قرار»<sup>۹</sup>، «نامید»<sup>۱۰</sup>، «همه چیز برایم سخت و پرزحمت بود» و «بی‌ارزش»<sup>۱۱</sup> روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (هیچ وقت) تا ۵ (تمام اوقات) مشخص می‌کنند. گویه‌های مقیاس عاطفه منفی به صورت معکوس نمره-گذاری می‌شود. بنابراین، نمره‌های مثبت بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده تجربه عاطفه منفی کمتر و در گویه‌های مقیاس عاطفه مثبت، نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده تجربه عاطفه مثبت بیشتر

1. cheerful

4. calm and peaceful

7. nervous

10. worthless

2. in good spirits

5. Satisfied

8. restless or fidgety

3. extremely happy

6. full of life

9. Hopeless

است. به منظور ایجاد هر مقیاس، نمره ها با یکدیگر جمع می‌شوند. استفاده از روش الفای کرونباخ برای بررسی اعتبار عامل‌های این پرسشنامه، ضرایب آلفا برای هر یک از عامل‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی را، برابر با ۰/۸۱ و ۰/۸۳ نشان داد. عبدالله پور و همکاران (۱۳۹۱) ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های پرسشنامه بهزیستی ذهنی و نسخه کوتاه پرسشنامه مقابله با استرس اندلر و پارکر (۱۹۹۰) را محاسبه و ملاحظه کردند که هر سه مؤلفه پرسشنامه بهزیستی ذهنی (عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی) با سبک مقابله مسئله مداری به صورت مثبت و دو سبک مقابله هیجان مداری و اجتنابی به صورت منفی همبسته اند. این یافته بیانگر روایی همگرایی پرسشنامه بهزیستی ذهنی است.

پس از آماده‌سازی پرسشنامه‌های پژوهش و مشخص شدن گروه نمونه و هماهنگی با مسئولان پژوهشی دانشگاه‌های آزاد واحد علوم و تحقیقات، کرج، اسلام شهر و رودهن، پرسشنامه‌ها برای پاسخ‌گویی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در راهنمای پرسشنامه‌ها ضمن ارائه راهنمایی‌های لازم در زمینه چگونگی پاسخ‌دهی، به این نکته اشاره شد که دانشجویان از نوشتن نام و نام خانوادگی خودداری کنند. تأکید بر خودداری دانشجویان از نوشتن نام و نام خانوادگی به این دلیل بود که آنها در پاسخ‌دهی به پرسش‌های مقیاس حل مسئله اجتماعی دچار سوگیری نشوند. اشاره به این نکته لازم است که داده‌ها به کمک نرم‌افزار Amos و با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد.

### یافته‌ها

در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است، بنابراین پیش از هرگونه تحلیل، مفروضه‌های اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) شامل داده‌های پرت<sup>۱</sup> مقادیر گم شده<sup>۲</sup>، نرمال بودن<sup>۳</sup>، خطی بودن<sup>۴</sup>، هم‌خطی بودن<sup>۵</sup> و یکسانی پراکندگی<sup>۶</sup>، بررسی شده است. استفاده از روش «تفکیک مهلنوبایس (D)»<sup>۷</sup> نشان داد که داده‌های مربوط به ۱۸ شرکت‌کننده از کل ۵۴۶ شرکت‌کننده در پژوهش حاضر پرت بوده، بنابراین در تحلیل و توصیف داده‌ها، اطلاعات مربوط به آن شرکت‌کنندگان مورد استفاده قرار نگرفت. گفتنی است که بعد از حذف اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان پرت از لیست داده‌ها، بررسی مفروضه‌های نرمال بودن، خطی بودن، هم‌خطی بودن و یکسانی پراکندگی حکایت از برقرار بودن آنها در داده‌های پژوهش داشت.

بعد از بررسی مفروضه‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، رابطه بین عامل‌های شخصیت، حل

1. outliers

2. missing data

3. Normality

4. linearity

5. Multicollinearity

6. Homoscedasticity

7. Mahalanobis distance (D)

مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی در کل گروه و در بین دو گروه زنان و مردان با استفاده از نرم افزار Amos تحلیل شد. برای ارزیابی چگونگی برازش مدل با داده‌ها از شاخص‌های مجذور کای ( $\chi^2$ )، شاخص نرم شده مجذور کای  $^1 (\chi^2/df)$ ، شاخص برازندگی تطبیقی  $^2 (CFI)$ ، شاخص برازندگی  $^3 (GFI)$ ، شاخص تعدیل شده برازندگی  $^4 (AGFI)$  و جذر برآورد واریانس خطای تقریب  $^5 (RMSEA)$  استفاده شد. داده‌های توصیفی متغیرها در جداول ۱ (کل گروه)، ۲ (مردان) و ۳ (زنان) ارائه شده است.

جدول (۱): ماتریس همبستگی، میانگین (M) و انحراف استاندارد (SD) متغیرهای پژوهش برای کل گروه

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱. سبک اجتنابی	۱													
۲. جهت‌گیری منفی	۰/۴۳**	۱												
۳. سبک تکانشی ای	۰/۳۷**	۰/۴۳**	۱											
دقی				۱										
۴. جهت‌گیری مثبت	۰/۲۷**	۰/۱۸**	۰/۰۸۴	۱										
۵. حل منطقی مسئله	**	۰/۱۰*	۰/۰۲۴	۰/۰۴۸**	۱									
۶. رضایت از زندگی	۰/۱۳**	**	۰/۱۰*	۰/۱۸**	۰/۱۹**	۱								
۷. عاطفه مثبت	۰/۱۰*	**	۰/۰۵	۰/۱۱*	۰/۱۳**	۰/۵۵**	۱							
۸. عاطفه منفی	**	**	**	۰/۲۰**	۰/۲۱**	۰/۵۶**	۰/۵۹**	۱						
۹. P1 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۲۰**	۰/۴۹**	۰/۲۳**	۰/۱۵**	۰/۱۸	**	**	**	۱					
۱۰. P2 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۱۵**	۰/۴۲**	۰/۱۹**	۰/۱۶**	۰/۱۱*	**	**	**	۰/۵۱**	۱				
۱۱. P3 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۲۶**	۰/۳۶**	۰/۱۶**	**	**	**	**	**	۰/۳۳**	۰/۳۴**	۱			
۱۲. P4 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۰۸	۰/۱۸**	۰/۰۸	۰/۲۰**	۰/۱۳**	۰/۳۲**	۰/۳۰**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۲۹	۰/۳۸	۱		
۱۳. P5 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۰۷	۰/۱۳**	۰/۰۶	۰/۱۶**	۰/۲۰**	۰/۲۳**	۰/۲۲**	۰/۲۳**	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۰۶	۱	
۱۴. P6 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۰۶	۰/۱۶**	۰/۰۷	۰/۰۹*	۰/۰۴	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۴**	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۶	۱
M (میانگین)	۴/۱۳	۷/۵۲	۸/۷۰	۱۲/۰۹	۱۲/۵۳	۶/۶۱	۲/۰۸	۲۲/۱۷	۲/۸۹	۳/۳۶	۲/۸۹	۳/۶۶	۳/۱۳	۳/۱۳
SD (انحراف استاندارد)	۲/۹۵	۴/۱۱	۳/۵۵	۲/۶۵	۲/۷۴	۱/۹۵	۲/۵۵	۴/۶۹	۲/۹۳	۲/۸۰	۲/۸۸	۲/۹۱	۲/۸۲	۲/۸۲
	N = ۲۷۵ *P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱													

جدول (۲): ماتریس همبستگی، میانگین (M) و انحراف استاندارد (SD) متغیرهای پژوهش برای گروه مردان

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱. سبک اجتنابی	۱													
۲. جهت‌گیری منفی	۰/۵۴**	۱												
۳. سبک تکانشی ای	۰/۳۵**	۰/۴۷**	۱											
۴. جهت‌گیری مثبت	**	۰/۲۳**	۰/۰۴	۱										
۵. حل منطقی مسئله	۰/۴۱	۰/۳۱**	۰/۱۲	۰/۴۷**	۱									
۶. رضایت از زندگی	۰/۲۰**	۰/۲۶**	۰/۱۱	۰/۲۴**	۰/۱۴*	۱								
۷. عاطفه مثبت	۰/۱۱	۰/۲۹**	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۱۴*	۰/۵۷**	۱							
۸. عاطفه منفی	۰/۳۰**	۰/۳۳**	۰/۱۹**	۰/۲۲**	۰/۳۰**	۰/۳۰**	۰/۲۶**	۱						
۹. P1 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۱۹**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۱۶*	۰/۱۸**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۱					
۱۰. P2 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۱۸**	۰/۴۳**	۰/۲۳**	۰/۱۴*	۰/۱۱	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۱۵**	۱				
۱۱. P3 (نشانه روان رنجورخوبی)	۰/۲۰**	۰/۳۷**	۰/۱۰	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۴۰**	۱			
۱۲. P4 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۰۹	۰/۱۵*	۰/۱۳*	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۱۷**	۱		
۱۳. P5 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۱۶*	۰/۱۱	۰/۱۵*	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۱۱	۰/۰۹	۱	
۱۴. P6 (نشانه برون‌گرایی)	۰/۱۰	۰/۱۸**	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۱
M (میانگین)	۴/۴۱	۷/۳۶	۸/۷۸	۱۲/۷۷	۱۲/۸۲	۶/۴	۲/۱۳	۲۲/۴۰	۲/۹۲	۳/۲۹	۲/۸۷	۳/۴۶	۳/۵۳	۳/۱۳
SD (انحراف استاندارد)	۳/۱۶	۴/۱۱	۳/۵۰	۲/۴۹	۳/۶	۱/۹۹	۴/۵	۴/۸۸	۲/۹۴	۲/۷۷	۲/۸۸	۲/۹۳	۲/۹۵	۲/۸۹
	N = ۳۵۲ *P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱													

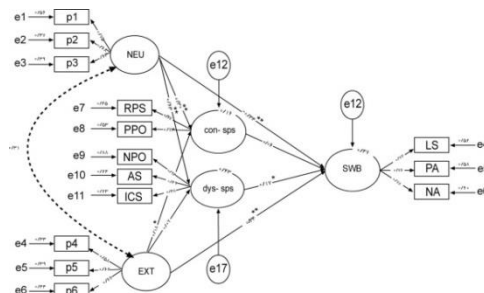
1. Normed chi- square
2. comparative fit index
3. goodness of fit index
4. adjusted goodness of fit index
5. root mean square error of approximation

جدول ۳: ماتریس همبستگی، میانگین (M) و انحراف استاندارد (SD) متغیرهای پژوهش برای گروه زنان

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱. سبک اجتنابی	۱													
۲. جهت گیری منفی	۰/۳۹**	۱												
۳. سبک تکانشی/بی دقتی	۰/۴۰**	۰/۴۳**	۱											
۴. جهت گیری مثبت	۰/۱۴*	۰/۰۸	۰/۰۸	۱										
۵. حل منطقی مسئله	۰/۲۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۴۹**	۱									
۶. رضایت از زندگی	۰/۱۰	۰/۲۹**	۰/۱۰	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۱								
۷. عاطفه مثبت	۰/۰۹	۰/۲۸**	۰/۰۶	۰/۱۶**	۰/۱۳*	۰/۶۱	۱							
۸. عاطفه منفی	۰/۳۰	۰/۴۹**	۰/۲۱**	۰/۱۹**	۰/۱۶**	۰/۵۹	۰/۶۶	۱						
۹. PI (نشانگر روان رنجور خوبی)	۰/۲۱**	۰/۵۰**	۰/۱۵*	۰/۳۴**	۰/۳۴**	۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۳۷	۱					
۱۰. P2 (نشانگر روان رنجور خوبی)	۰/۱۴*	۰/۴۳**	۰/۱۵*	۰/۱۷**	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۳۴	۱				
۱۱. P3 (نشانگر روان رنجور خوبی)	۰/۲۷**	۰/۳۷**	۰/۳۴**	۰/۳۱**	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۴۸**	۱			
۱۲. P4 (نشانگر برون گرایی)	۰/۰۸	۰/۲۴**	۰/۰۳	۰/۳۶**	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۰۸	۱		
۱۳. P5 (نشانگر برون گرایی)	۰/۰۸	۰/۱۹*	۰/۰۰	۰/۲۸**	۰/۱۷**	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۰۵	۱	
۱۴. P6 (نشانگر برون گرایی)	۰/۰۳	۰/۱۵*	۰/۰۱	۰/۱۷**	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۳۲	۱
M (میانگین)	۳/۹۳	۷/۸۸	۸/۶۸	۱۱/۶۶	۱۲/۲۳	۱۹/۸۸	۲۲/۹۱	۲۲/۹۱	۱۹/۸۸	۲۲/۹۱	۲۲/۹۱	۲۳/۸	۲۳/۷۶	۳/۳۵
SD (انحراف استاندارد)	۲/۸۴	۴/۲۶	۳/۵۹	۳/۸۵	۳/۶	۴/۵۹	۴/۵۶	۴/۵۶	۴/۵۹	۴/۵۶	۴/۵۶	۴/۵۶	۴/۵۶	۴/۵۶

N = ۲۷۵ \*P < ۰/۰۵ \*\*P < ۰/۰۱

در پژوهش حاضر، بخش ساختاری مدل از پنج متغیر مکنون (برون گرایی، روان رنجور خوبی، حل مسئله انطباقی، حل مسئله غیرانطباقی و بهزیستی ذهنی) تشکیل شده است و بر اساس یافته‌های پیشین، عامل‌های روان رنجور خوبی، برون گرایی، حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر-انطباقی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های بهزیستی ذهنی در نظر گرفته شده است. نشانگرهای متغیرهای مکنون بخش اندازه‌گیری مدل را تشکیل می‌دهد. انتظار این است که هر یک از متغیرهای روان رنجور خوبی، برون گرایی، حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی پیش‌بینی کننده مستقیم بهزیستی ذهنی باشد. همچنین انتظار می‌رود روان رنجور خوبی و برون گرایی بر حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی اثر داشته باشد. شکل (۱) مدل کلی را با برآوردهای استاندارد شده<sup>۱</sup> نشان می‌دهد.



شکل (۱): برآورد پارامترها با استفاده از داده‌های استاندارد شده. \*P < ۰/۰۱ \*\*P < ۰/۰۵

1. standardized estimates



نکته: متغیرهای p1 تا p3 نشانگرهای متغیر مکنون روان‌رنجورخویی (NUE) و متغیرهای p4 تا p6 نشانگرهای متغیر مکنون برون‌گرایی (EXT) هستند که به منظور افزایش شاخص برازندگی و با استفاده از تکنیک تلفیق گویه‌ها از ۱۶ گویه پرسشنامه ۵ عامل بزرگ شخصیت استخراج شده‌اند. حل منطقی مسئله (RPS) و جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله (PPO) نشانگرهای متغیر مکنون حل مسئله انطباقی (con-sps) هستند. جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله (NPO)، سبک اجتنابی حل مسئله (AS) و سبک تکانشی/بی‌دقتی (ICS) نشانگرهای متغیر مکنون حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) هستند. متغیرهای رضایت از زندگی (LS)، عاطفه مثبت (PA) و عدم وجود عاطفه منفی (NA) نشانگرهای متغیر مکنون بهزیستی‌ذهنی (SWB) هستند.

بررسی شاخص‌های برازندگی مدل کلی نشان داد که مدل به صورت قابل قبولی با داده‌ها برازش ندارد ( $\chi^2/N = 189/528$ ,  $df = 68$ ,  $p < 0/05$ ). به این دلیل که مجذور کای به شدت تحت تأثیر حجم نمونه قرار دارد، شاخص‌های برازندگی دیگر مورد بررسی قرار گرفت که نشان داد شاخص  $\chi^2/df$  ( $\chi^2/df = 2/787$ ) کوچک‌تر از ۳، شاخص‌های GFI، AGFI و CFI به ترتیب ۰/۹۵۱، ۰/۹۲۴ و ۰/۹۳۸ است که هر سه شاخص بزرگ‌تر از ۰/۹۰ است. همچنین شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۵۸ است. این شاخص‌ها بیانگر آن است که مدل به صورت قابل قبولی با داده‌ها برازش دارد و در مجموع ۴۷ درصد از واریانس بهزیستی‌ذهنی به وسیله متغیرهای پیش بین تبیین می‌شود.

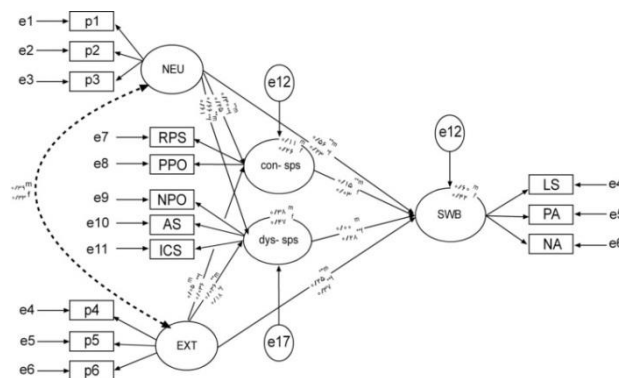
بر اساس اطلاعات ارائه شده در شکل (۱)، روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی با یک شدت مشابه ( $b = 0/34$ ,  $p < 0/01$ ) بهزیستی‌ذهنی را پیش‌بینی می‌کنند، اما جهت این پیش‌بینی برای عامل روان‌رنجورخویی منفی و برای برون‌گرایی مثبت است. همچنین حل مسئله غیرانطباقی نیز به صورت منفی و معنی دار، بهزیستی‌ذهنی را پیش‌بینی می‌کند ( $b = -0/17$ ,  $p < 0/05$ ) اما حل مسئله انطباقی، بهزیستی‌ذهنی را به طور معنی دار پیش‌بینی نمی‌کند ( $b = 0/06$ ,  $p > 0/05$ ). همچنین حل مسئله غیرانطباقی به وسیله روان‌رنجورخویی ( $b = -0/63$ ,  $p < 0/001$ ) و حل مسئله انطباقی به وسیله برون‌گرایی ( $b = 0/18$ ,  $p < 0/05$ ) و روان‌رنجورخویی ( $b = -0/30$ ,  $p < 0/001$ ) به صورت معنادار پیش‌بینی می‌شود. اما حل مسئله غیرانطباقی به وسیله عامل برون‌گرایی ( $p < 0/05$ )،  $b = -0/07$ ، پیش‌بینی نمی‌شود.

در ادامه تحلیل داده‌ها، به منظور آزمون تغییر ناپذیری جنسیتی در مدل شکل ۱، ابتدا استفاده از آزمون t استیودنت برای مقایسه نمره‌های بهزیستی‌ذهنی در دو گروه زنان و مردان ( $p = 0/607$ )،  $t = 0/516$ ) نشان داد بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. گفتنی است، برای مقایسه چگونگی برازش مدل در دو گروه زنان و مردان، از آزمون برازش دقیق کای اسکوتر<sup>۱</sup> ( $\chi^2$ ) بین مدل‌های با ضرایب مسیر آزاد و تغییرناپذیر<sup>۲</sup> استفاده شد. در گام اول، مدل به طور جداگانه با

<sup>۱</sup> -  $\chi^2$  exact fit test

<sup>۲</sup> - free and invariant path coefficients

داده‌های هر دو گروه زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفت. سپس با این فرض که مسیرها تغییر نپذیرند<sup>۱</sup> (یعنی دو گروه برابرند)، مدل محدود شد. اگر رابطه بین روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، حل مسئله انطباقی، حل مسئله غیرانطباقی و بهزیستی ذهنی در بین دو گروه یکسان باشد، مدل دو گروهی محدود شده تغییر نپذیرد، پارامترهای برازندگی مشابه با مدل برآورد شده آزاد به دست خواهد آورد. شکل ۲ بخش ساختاری مدل با ضرایب مسیر آزاد را برای دو گروه زنان و مردان نشان می‌دهد که حکایت از برازش قابل قبول مدل با داده‌های هر دو گروه دارد ( $p < 0/05$ )،  $RMSEA = 0/043$ ،  $CFI = 0/938$ ،  $AGFI = 0/924$ ،  $GFI = 0/951$ ،  $\chi^2(N = 528, df = 138)$  در مجموع متغیرهای پیش بین ۶۰ و ۴۲ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را به ترتیب در گروه مردان و زنان تبیین می‌کند.



شکل (۲): برآورد پارامترها با استفاده از داده‌های استاندارد شده برای گروه زنان (f) و مردان (m).  $p < 0/01$

\*\*P < 0/05 و \*P

نکته: متغیرهای p1 تا p3 نشانگرهای متغیر مکنون روان‌رنجورخویی (NEU) و متغیرهای p4 تا p6 نشانگرهای متغیر مکنون برون‌گرایی (EXT) هستند که به منظور افزایش شاخص برازندگی و با استفاده از تکنیک تلفیق گویه‌ها از ۱۶ گویه پرسشنامه ۵ عامل بزرگ شخصیت استخراج شده‌اند. حل منطقی مسئله (RPS) و جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله (PPO) نشانگرهای متغیر مکنون حل مسئله انطباقی (con-sps) هستند. جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله (NPO)، سبک اجتنابی (AS) و سبک تکانشی/بی‌دقتی (ICS) نشانگرهای متغیر مکنون حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) هستند. متغیرهای رضایت از زندگی (LS)، عاطفه مثبت (PA) و عدم وجود عاطفه منفی (NA) نشانگرهای متغیر مکنون بهزیستی ذهنی (SWB) هستند.

<sup>۱</sup> -invariant

جدول (۳) شاخص‌های به دست آمده از تحلیل بین گروهی را نشان می‌دهد. در گام اول تمام مسیرهای مدل در بین دو گروه برابر قرار داده شد (مدل تغییرناپذیر)، سپس تفاوت  $\chi^2$  آن و مدل آزاد تحلیل شد که نشان داد مدل آزاد بهتر از مدل تغییر ناپذیر با داده‌ها برازش دارد ( $p < 0/01$ ) ( $\Delta\chi^2(7) = 23/146$ ). این یافته بیانگر آن است که روابط بین متغیرهای مکنون در مدل ساختاری در دو گروه زنان و مردان یکسان نیست. در گام‌های بعد باید مشخص شود ضرایب کدام یک از مسیرها باعث معنی‌داری تفاوت مدل تغییرناپذیر و مدل آزاد شده است. به عبارت دیگر دو گروه زنان و مردان در کدام مسیرها تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند. به همین منظور هر کدام از ضرایب مسیر مدل ساختاری به نوبت در دو گروه برابر (تغییر ناپذیر) قرار داده شده و مسیرهای دیگر به صورت آزاد برآورد شد. تفاوت معنادار  $\chi^2$  بین دو مدل آزاد و محدود شده، زمانی مشاهده شد که مسیرهای بین روان‌رنجورخویی (NUE) و بهزیستی‌ذهنی (SWB) (گام دوم)، حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) و بهزیستی‌ذهنی (SWB) (گام سوم)، برون‌گرایی (EXT) و حل مسئله انطباقی (con-sps) (گام چهارم)، برون‌گرایی (EXT) و حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) (گام پنجم) برابر (تغییر ناپذیر) فرض شد.

جدول (۴): تحلیل معنی‌داری تفاوت برازش مدل در گروه زنان و مردان

نوع تحلیل	$\chi^2$	df	CFI	RMSEA	$\Delta\chi^2(\Delta df)$
مدل آزاد یا بدون محدودیت	۲۷۹/۵۵۷	۱۳۶	۰/۹۲۴	۰/۰۴۳	
گام اول: ضرایب مسیر تغییر ناپذیر	۳۰۲/۷۰۳	۱۴۴	۰/۹۱۶	۰/۰۴۸	
تفاوت بین گام اول و برازش مدل آزاد					۲۳/۴۶ ** (۷)
گام دوم: تغییر ناپذیری مسیر بین روان SWB و NUE	۲۸۴/۳۳۴	۱۳۷	۰/۹۲۱	۰/۰۴۳	
تفاوت بین گام دوم و برازش مدل آزاد					۴/۷۷۷ * (۱)
گام سوم: تغییر ناپذیری مسیر بین dys- SWB و sps	۲۸۵/۲۸۳	۱۳۷	۰/۹۲۰	۰/۰۴۴	
تفاوت بین گام سوم و برازش مدل آزاد					۵/۷۲۶ * (۱)
گام چهارم: تغییر ناپذیری مسیر بین dys-sps و EXT	۲۸۳/۹۲۳	۱۳۷	۰/۹۲۲	۰/۰۴۳	
تفاوت بین گام چهارم و برازش مدل آزاد					۴/۳۶۶ * (۱)
گام پنجم: تغییر ناپذیری مسیر بین con-sps و EXT	۲۸۳/۶۷۲	۱۳۷	۰/۹۲۳	۰/۰۴۳	
تفاوت بین گام پنجم و برازش مدل آزاد					۴/۱۱۵ * (۱)
گام ششم: تغییر ناپذیری مسیر بین SWB و con-sps	۲۸۰/۵۳۹	۱۳۷	۰/۹۲۴	۰/۰۴۳	

۰/۹۸۱ (۱)	تفاوت بین گام ششم و برازش مدل آزاد			
	۰/۴۳	۰/۹۲۴	۱۳۷	۲۸۰/۵۹۱
	گام هفتم : تغییر ناپذیری مسیر بین con-sps و NUE			
۱/۰۳۴ (۱)	تفاوت بین گام هفتم و برازش مدل آزاد			
	۰/۴۳	۰/۹۲۴	۱۳۷	۲۸۱/۳۱۸
	گام هشتم : تغییر ناپذیری مسیر بین dys-sps و NUE			
۱/۷۶۱ (۱)	تفاوت بین گام هشتم و برازش مدل آزاد			

نکته: CFI = شاخص برازندگی تطبیقی، RMSEA = جذر برآورد واریانس خطای تقریب، NUE = روان-رنجورخویی، EXT = برون‌گرایی، con-sps = حل مسئله انطباقی، dys-sps = حل مسئله غیرانطباقی، SWB = بهزیستی ذهنی

اگرچه روان‌رنجورخویی در هر دو گروه زنان ( $p < ۰/۰۵$ ،  $b = -۰/۲۳$ ) و مردان ( $p < ۰/۰۱$ )،  $b = -۰/۵۶$ ) بهزیستی ذهنی را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کرد. با وجود این زمانی که این مسیر تغییر ناپذیر فرض شد، تفاوت معنی‌داری بین مدل برآورد شده آزاد و مدل تغییر ناپذیر مشاهده شد ( $\Delta\chi^2(۱) = ۴/۷۷۷$ ،  $p < ۰/۰۵$ ). بنابراین می‌توان گفت ضریب مسیر بین روان‌رنجور-خویی و بهزیستی ذهنی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند و این رابطه در مردان به صورت معنی‌داری قوی‌تر از زنان است. براساس جدول فوق و به دنبال فرض تغییر ناپذیر مسیر بین حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) و بهزیستی ذهنی (SWB)، تفاوت معنی‌داری بین مدل برآورد شده آزاد و مدل تغییر ناپذیر مشاهده شد ( $\Delta\chi^2(۱) = ۵/۷۲۶$ ،  $p < ۰/۰۵$ ). و براساس شکل (۲) این رابطه تنها در گروه زنان معنادار است ( $b = -۰/۲۸$ ،  $p < ۰/۰۱$ ). فرض تغییر ناپذیر رابطه بین برون‌گرایی (EXT) و حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) نیز تفاوت معنی‌داری بین مدل برآورد شده آزاد و مدل تغییر ناپذیر ایجاد کرد ( $\Delta\chi^2(۱) = ۴/۳۶۶$ ،  $p < ۰/۰۵$ ). همانند رابطه بین حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps) و بهزیستی (SWB)، این رابطه نیز در گروه زنان معنادار ( $p < ۰/۰۵$ )،  $b = -۰/۱۸$ ) و در گروه مردان غیر معنادار ( $b = ۰/۰۵$ ،  $p > ۰/۰۵$ ) است. براساس جدول (۳)، فرض تغییر ناپذیر رابطه بین برون‌گرایی (EXT) و حل مسئله انطباقی (con-sps) تفاوت معنی‌داری بین مدل برآورد شده آزاد و مدل تغییر ناپذیر ایجاد کرد ( $\Delta\chi^2(۱) = ۴/۱۱۵$ ،  $p < ۰/۰۵$ ). این رابطه در گروه زنان ( $b = ۰/۳۶$ ،  $p < ۰/۰۱$ ) معنادار و در گروه مردان ( $b = ۰/۰۵$ ،  $p > ۰/۰۵$ ) غیر معنادار است. در مقابل به دنبال فرض تغییر ناپذیری روابط بین حل مسئله انطباقی (con-sps) و بهزیستی-ذهنی (SWB)، روان‌رنجورخویی (NUE) و حل مسئله انطباقی (con-sps) و روان‌رنجورخویی (NUE) و حل مسئله غیرانطباقی (dys-sps)، تفاوت معنی‌داری بین مدل برآورد شده آزاد و مدل

تغییرناپذیر مشاهده نشد. بنابراین می‌توان گفت تفاوت شدت ضرایب مسیرهای مذکور در دو گروه زنان و مردان معنادار نیست.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر دو هدف عمده داشت: اول تحلیل چگونگی تأثیر صفات شخصیت (برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی) و ابعاد حل مسئله اجتماعی (حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی) بر بهزیستی ذهنی و دوم بررسی تفاوت بین زنان و مردان در یک مدل با استفاده از آزمون تغییر-ناپذیری جنسیتی. روابط مفروض بین متغیرهای شخصیت، حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی در کل گروه به وسیله داده‌ها تأیید شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی با شدت برابر، بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی می‌کند، با این حال جهت رابطه بین روان‌رنجورخویی و بهزیستی ذهنی معکوس بود. بر اساس نتایج این پژوهش، حل مسئله غیرانطباقی همچون روان‌رنجورخویی به صورت معکوس با بهزیستی ذهنی رابطه دارد. اما حل مسئله انطباقی با بهزیستی ذهنی رابطه معنادار ندارد. همچنین حل مسئله غیرانطباقی به وسیله روان‌رنجورخویی و حل مسئله انطباقی به وسیله برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی به صورت معنادار پیش‌بینی می‌شود. اما حل مسئله غیرانطباقی به وسیله عامل برون‌گرایی پیش‌بینی نمی‌شود.

تحلیل تفاوت‌های شدت پیش‌بینی بهزیستی ذهنی به وسیله عامل‌های صفات شخصیت و حل مسئله اجتماعی به عنوان کارکرد جنسیت، هدف دوم پژوهش حاضر بود که نتایج به دست آمده از مقایسه‌های بین گروهی نشان داد تفاوت ضرایب مسیر بین حل مسئله غیرانطباقی و بهزیستی، برون‌گرایی و حل مسئله غیرانطباقی و برون‌گرایی و حل مسئله انطباقی در دو گروه زنان و مردان معنی دار بوده و این روابط تنها در گروه زنان معنادار است. همچنین نتایج نشان داد علی‌رغم معنی‌داری مسیر بین روان‌رنجورخویی و بهزیستی ذهنی در هر دو گروه، این رابطه در مردان به طور معنی‌داری قوی‌تر از زنان است. تفاوت معنی‌داری بین ضرایب مسیر بین حل مسئله انطباقی و بهزیستی ذهنی، روان‌رنجورخویی و حل مسئله انطباقی و روان‌رنجورخویی و حل مسئله غیر انطباقی در دو گروه زنان و مردان دیده نشد.

به طور کلی پژوهش حاضر همسو با ادعای ریسامب (۲۰۰۶) نشان داد اهمیت متغیرهای مختلف در پیش‌بینی بهزیستی ذهنی وابسته به عامل جنسیت است. به طوری که روان‌رنجورخویی در مردان بهتر از زنان بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته همسو با یافته‌های مطالعه جوزف و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۲ به نقل از رید، ۲۰۰۴) است که نشان دادند منابع عزت نفس زنان و مردان متفاوت بوده و وابسته به نقش‌های جنسیتی است که به وسیله فرهنگ به آنها القا می‌شود. عزت نفس مردان شدیداً وابسته به موفقیت‌های شخصی و عزت نفس زنان وابسته به موفقیت‌های

<sup>۱</sup> Josephs et al

بین فردی است (جوزف و همکاران، ۱۹۹۲ به نقل از رید، ۲۰۰۴). رید (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود نشان داد که عزت نفس در مردان بهتر از زنان توازن عاطفی<sup>۱</sup> را پیش بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با تبیین‌های کروس و مادسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۷ به نقل از رید، ۲۰۰۴) درباره علت تفاوت منابع پیش بینی کننده بهزیستی ذهنی در زنان و مردان است. آنها معتقدند هنجارهای اجتماعی و جنسیتی مهم‌ترین عامل تفاوت منابع بهزیستی در دو جنس است. کروس و مادسون بر این باورند که مردان در جریان رشد یاد می‌گیرند جدا از دیگران و زنان یاد می‌گیرند وابسته به دیگران باشند. به عبارت دیگر هنجارهای اجتماعی و هنجارهای جنسیتی در جوامع مختلف مردان را به سمت استقلال از دیگران و زنان را به سمت وابستگی به دیگران سوق می‌دهد. به همین علت مردان هنگام ارزیابی اعمال خود به عوامل درون فردی و زنان به عوامل برون فردی توجه می‌کنند. بنابراین خود-ارزیابی<sup>۳</sup> در مردان و ارزیابی بین فردی<sup>۴</sup> در زنان، عاملی مهم در پیش بینی بهزیستی ذهنی به شمار می‌رود. همسو با این ادعا ویلیامز و وایب<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نیز نشان دادند که عاطفه منفی در مردان بیشتر از زنان پیش بینی کننده نشانه‌های بیماری است. نتایج پژوهش راب و همکاران (۲۰۰۸) همانند نتایج پژوهش حاضر حاکی از تأثیر متفاوت شخصیت بر بهزیستی در زنان و مردان است. آنها در پژوهش خود نشان دادند که عامل برون‌گرایی در مردان متأهل جوان بر افسردگی تأثیر مستقیم دارد و رابطه بین ناتوانی کنشی<sup>۶</sup> و افسردگی را در آنها تعدیل می‌کند. این در حالی است که برون‌گرایی در زنان متأهل جوان، رابطه معناداری با افسردگی و رضایت از زندگی ندارد. زانگ و لیونگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) نیز نشان دادند که عامل جنسیت بر رابطه بین عزت نفس و بهزیستی ذهنی تأثیر تعدیلی دارد، به طوری که این رابطه در مردان قوی‌تر از زنان است. آنها نیز همانند رید (۲۰۰۴) در توجیه این یافته به هنجارهای اجتماعی و جنسیتی اشاره می‌کنند. زانگ و لیونگ معتقدند مردان در ارزیابی ویژگی‌های خود بیشتر به درون توجه می‌کنند و بیشتر اوقات خود را صرف فعالیت‌های مورد علاقه خود می‌کنند. در حالی که زنان در ارزیابی ویژگی‌های خود اغلب به قضاوت‌های بیرونی توجه می‌کنند و بیشتر اوقات خود را بر خلاف مردان صرف دوستان و خانواده می‌کنند.

براساس یافته‌های مطالعه استرلین<sup>۸</sup> (۱۹۹۵؛ به نقل از چن و جوزف<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳) مردان بیشتر از زنان مادی‌گرا<sup>۱۰</sup> هستند و آرزوهای مالی<sup>۱۱</sup> بیشتری دارند. همچنین چن و جوزف (۲۰۰۳) نشان دادند که افراد روان‌رنجورخو در مقایسه با افرادی که از صفت روان‌رنجورخویی کمتری برخوردارند، موفقیت‌های مادی کمتری کسب می‌کنند. کروس و مادسون (۱۹۹۷ به نقل از رید، ۲۰۰۴) بر این

1. affect balance

4. interpersonal – evaluation

7. Zhang &amp; Leung

10. materialism

2. Cross &amp; Madson

5. Williams &amp; Wiebe

8. Easterlin

11. financial aspiration

3. self – evaluation

6. functional disability

9. Chan &amp; Joseph

باورند که مردان در جریان رشد یاد می‌گیرند مستقل از دیگران و زنان یاد می‌گیرند وابسته به دیگران باشند و این ادعای رید (۲۰۰۴) که مردان در ارزیابی خویش به عوامل درون‌فردی و زنان به عوامل برون‌فردی توجه می‌کنند، می‌تواند ما را در تبیین تأثیر متفاوت روان‌رنجور‌خویی بر بهزیستی زنان و مردان کمک کند. بدین ترتیب با کنار هم گذاشتن نتایج مطالعات استرلین (۱۹۹۵)، به نقل از چن و جوزف، (۲۰۰۳)، چن و جوزف (۲۰۰۳)، کروس و مادسون (۱۹۹۷) به نقل از رید، (۲۰۰۴) و رید (۲۰۰۴) می‌توان چنین نتیجه گرفت که چون مردان روان‌رنجور‌خو آرزوهای مالی بیشتری نسبت به زنان دارند و افراد روان‌رنجور‌خو در کسب موفقیت مالی بیشتر از افراد غیر روان‌رنجور‌خو شکست می‌خورند، شکست در دستیابی به اهداف مالی، استقلال آنها را به خطر می‌اندازد. این عوامل در کنار رویکرد درون‌نگرانه مردان در ارزیابی خویش باعث می‌شود تا روان‌رنجور‌خویی در مردان بیشتر از زنان بهزیستی ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد. از طرف دیگر زنان در هنگام ارزیابی میزان شادکامی خود، بیشتر به روابط اجتماعی خویش و بر قضاوت‌های دیگران در مورد خود تکیه می‌کنند، به همین دلیل میزان موفقیت‌ها در پیش‌بینی شادکامی زنان کمتر اثرگذار است. بنابراین منابع متفاوت ارزیابی میزان شادکامی در زنان و مردان عمده‌ترین دلیل تأثیر متفاوت روان‌رنجور‌خویی بر شادکامی آنهاست.

فریدمن و روزمن<sup>۱</sup> (۱۹۷۴، به نقل از بارانت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲) در کتاب معروف خود با عنوان "رفتار تیپ A و سلامت"<sup>۳</sup> چنین عنوان کرده‌اند مردانی که دارای تیپ شخصیتی A هستند، بیشتر از زنان دارای تیپ شخصیتی A، در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی قرار دارند و مردان دارای تیپ شخصیتی A، در مقایسه با زنان، کمتر با فشارهای محیط کار سازگار می‌شوند. آنها در تبیین این ادعا اظهار می‌دارند زنان بیشتر از مردان در خانه می‌مانند و خود را سرگرم امور منزل می‌کنند که در مقایسه با محیط کار شرایط محدود کننده و استرس‌زای کمتری دارد. اما به نظر می‌رسد تبیین فریدمن و روزمن از نقش تعدیل‌کننده جنسیت در رابطه بین تیپ شخصیتی و بیماری چندان صحیح نباشد، به این دلیل که پژوهش حاضر نشان داد در شرایط مشابه برای گروه زنان و مردان (دانشجو بودن هر دو گروه) تأثیر متفاوت شخصیت بر سلامت همچنان پابرجاست و بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر تبیین آنها را تأیید نمی‌کند.

برخلاف فریدمن و روزمن که تأثیر جنسیت بر شخصیت و بهزیستی را ناشی از شرایط محیطی تلقی می‌کنند، والدرون<sup>۴</sup> (۱۹۸۸ و ۱۹۹۷، به نقل از سیوردینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) و سولومن<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) معتقدند ناملايمات هیجانی به این دلیل بهزیستی مردان را بیشتر از زنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان، هنگام تجربه استرس‌های طولانی، بیشتر به رفتارهای غیر سالمی چون عادات تغذیه‌ای نامناسب، مصرف الکل، مواد مخدر و انجام رفتارهای بزهکارانه روی

1. Friedman & Rosenman  
3. Type A Behavior and Your Heart  
6. Solomon

2. Barnett  
4. Valdrón

5. Sieverding

یکی دیگر از نتایج بسیار مهم پژوهش حاضر آن است که عامل برونگرایی شخصیت در گروه زنان و مردان تأثیر متفاوتی بر حل مسئله اجتماعی دارد. اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌های شخصیت، جنسیت و سبک‌های مقابله، نشان می‌دهد عامل برونگرایی در مردان و عامل روان‌رنجورخویی در زنان بارزتر است (هایس و جوزف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ گوتیرز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). مردان بیشتر از شیوه مقابله مسئله محور و زنان بیشتر از شیوه مقابله هیجان محور استفاده می‌کنند و بین روان‌رنجورخویی و سبک مقابله اجتنابی و بین برون‌گرایی و شیوه مقابله مسئله محور، رابطه مثبت وجود دارد (راب و همکاران، ۲۰۰۸). اما هیچ کدام از مطالعات انجام شده تفاوت شدت روابط بین شخصیت و سبک‌های مقابله را در دو جنس مورد توجه قرار نداده‌اند. لذا تبیین این موضوع که چرا برونگرایی در زنان بیشتر از مردان حل مسئله اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند، بسیار مشکل به نظر می‌رسد. با وجود این شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برونگرایی در زنان می‌تواند توانایی غلبه بر مشکلات را افزایش دهد. به عنوان مثال باین ونو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، به نقل از گودوین و گوتلیب<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) نشان دادند که دختران برونگرا بیشتر از پسران برونگرا مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند. از طرف دیگر بل<sup>۵</sup> (۱۹۸۲)، به نقل از ریوی و ماسلاچ<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) و فیشر<sup>۷</sup> (۱۹۸۲)، به نقل از ریوی و ماسلاچ (۲۰۰۱) نشان دادند که زنان بیشتر از مردان به دنبال حمایت اجتماعی و فراهم کردن آن هستند. براساس این یافته‌ها می‌توان ادعا کرد که زنان به ویژه زنان برونگرا در هنگام مواجهه با مسائل بیشتر از مردان توسط دوستان و خانواده مورد حمایت قرار می‌گیرند (متیود<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴). این موضوع در کنار برتری آنها در جلب حمایت دیگران موجب می‌شود زنان برون‌گرا در هنگام مواجهه با مسائل امیدوار به حل آن به کمک دیگران باشند. به همین دلیل برونگرایی در زنان بیشتر از مردان با حل مسئله انطباقی رابطه مثبت و با حل مسئله غیر انطباقی رابطه منفی نشان می‌دهد.

براساس نتایج پژوهش حاضر، متغیرهای برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و حل مسئله غیرانطباقی نقش مهمی در پیش‌بینی واریانس بهزیستی‌ذهنی دانشجویان ایفا می‌کند و صفت روان‌رنجورخویی در مردان بیشتر از زنان بهزیستی‌ذهنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، اولاً تلاش در جهت ارتقای سطح بهزیستی‌ذهنی دانشجویان نیازمند توجه به متغیرهای پیش‌بین برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و حل مسئله غیرانطباقی است. ثانیاً لازم است تا متولیان سلامت و بهداشت روان دانشگاه‌ها با فراهم کردن آموزش‌های لازم، تأثیر منفی صفت شخصیت روان‌رنجورخویی بر بهزیستی‌ذهنی در مردان را کنترل کنند. علاوه بر آن کنترل آثار نامطلوب صفت روان‌رنجورخویی

1. Hayes &amp; Joseph

2. Gutierrez &amp; et al

3. Bienvenu &amp; et al

4. Goodwin &amp; Gotlib

5. Belle

6. Reevy &amp; Maslach

7. Fischer

8. Matud



می تواند زمینه گرایش پسران به رفتارهای نامطلوب اجتماعی از قبیل بزه کاری، سوء مصرف مواد و رفتارهای پر خاشکرا نه را محدود سازد (مک کری و کوستا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

به طور کلی، با مطالعه حاضر یافته های ارزشمندی درباره نقش جنسیت در رابطه بین متغیرهای شخصیت، حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی در بین دانشجویان به دست آمده است، با این وجود تفسیر نتایج پژوهش حاضر با توجه به برخی از محدودیت ها ضروری به نظر می رسد: الف) پژوهش حاضر از نوع مقطعی است. یکی از محدودیت های مطالعات مقطعی ناتوانی آن در نشان دادن تأثیر گذر زمان بر متغیرها و روابط آنها است. بنابراین صورت بندی نتایج پژوهش حاضر بدون در نظر گرفتن تأثیر گذر زمان بر متغیرها و روابط آنها از محدودیت های مهم پژوهش حاضر به شمار می رود. لذا تکرار یافته های پژوهش حاضر با مطالعات طولی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. ب) نتایج پژوهش حاضر، معرف نمونه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه های آزاد اسلامی واقع در استان تهران است. لذا تعمیم یافته های پژوهش حاضر به گروه های دانشجویی دیگر و جوامع دیگر شامل، کودکان نوجوانان و بزرگ سالان در پرده ابهام است؛ ج) با توجه به این که داده های پژوهش حاضر از طریق خود-گزارشی<sup>۲</sup> گردآوری شده و به گزارش های افراد شرکت کننده در پژوهش تکیه شده نه بر رفتارهای واقعی آنها، بنابراین انتظار می رود یافته ها از روایی بالایی برخوردار نباشد. از طرف دیگر اطلاعات حاصل از خود - گزارشی ها همیشه ممکن است تحت تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی<sup>۳</sup> قرار گرفته و شرکت کنندگان در پژوهش، اعمال و رفتارهای واقعی خود را گزارش ندهند؛ د) مدل پژوهش حاضر که در آن متغیرهای مکنون برونگرایی، روان رنجور-خویی، حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر انطباقی، متغیر مکنون بهزیستی ذهنی را در دو گروه مردان و زنان پیش بینی می کند، با این فرض پذیرفته شده است که احتمالاً مدل های دیگری نیز وجود دارد که به خوبی مدل پژوهش حاضر با داده ها برازش دارد. بنابراین یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر، توجه نکردن به برازش مدل های احتمالی دیگر با داده های دو گروه زنان و مردان است. از این رو نتایج پژوهش حاضر را می توان به عنوان مطالعه ای اولیه تصور کرد که تکرار آن با داده های برآمده از نمونه های مستقل دیگر و آزمون چگونگی برازش مدل های رقیب با داده های حاصل می تواند تأثیر نقش جنسیت در روابط حاکم در بین متغیرهای مکنون مطالعه حاضر را تأیید کند.

## منابع

- شکری، ا.، کدیور، پ. و دانشور پور، ز. (۱۳۸۶). تفاوت های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش صفات شخصیت. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار سابق)*. سال سیزدهم، ۳(۵۰)، ۲۸۹-۲۸۰.

1. McCrae & Costa

2. self- report

3. social desirability

- صالحی، م.، کوشکی، ش.، سپاه منصور، م.، تقی‌لو، ص (۱۳۸۸). تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی: فرم کوتاه تجدید نظر شده. *مجله تحقیقات روان‌شناختی*، ۱(۳)، ۲۵-۳۹.
- عبدالله پور، م.آ.، شکری، ا.، تقی‌لو، ص.، طولابی، س.، فولادوند، خ. (۱۳۹۱) تغییر-ناپذیری جنسی روابط بین روان رنجورخویی، برون‌گرایی، سبک‌های مقابله، تنش‌گرهای تحصیلی و واکنش آن به بهزیستی ذهنی، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۳(۲۳)، ۱۱۸-۱۰۳.

## Reference

- Abbott, R. A., Croudace, T. J., Ploubidis, G.B., Kuh, D, Richards, M., & Hupper, F. (2008). The relation between early personality and midlife psychological well-being: evidence from a UK birth cohort study, *Soc psychiatry epidemiol*, 43, 679-687.
- Barnett. R.C. (2002). Gender, social roles, and mental and physical health, In G. Weidner, M. S. Kopp & M. Kristenson (Eds). *Heart disease: Environment stress and gender*, (pp.211- 222).
- Burns, R.A. & Machin, M.A. (2010). Identifying gender differences in the independent effects of personality and psychological well-being on two broad affect components of subjective well-being, *Personality and Individual Differences*, 48, 22-27.
- Chan, R. & S. Joseph (2000), Dimensions of personality, domains of aspiration, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences* 28, 347-354.
- Cynarowki, J. M., Frank, E., & Shear, M. K., (2000). Adolescent onset of the gender differences in lifetime rates of major depression: A theoretical model. *Archives of General Psychiatry*, 57, 21-27.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- D’Zurilla, T.J, Nezu, A.M. (2001). Problem-solving therapies. In Dobson KS (Ed) *Handbook of Cognitive-Behavioral Therapies*, 2<sup>nd</sup> edn. New York: Guilford Press.
- D’Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (1990). Development and preliminary evaluation of the social problem solving. *Psychological Assessment*, 2, 156-163.

- D’Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2002). *Manual for the social problem solving inventory-revised*. North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: a critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(5), 844–854.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1996). Measuring the concerns of adolescents: developing a concise classificatory system. *Australian Educational Researcher*, 23, 47–64.
- Gannon, N., & Ranzijn, R. (2005). Does emotional intelligence predict unique variance in life satisfaction beyond IQ and personality? *Personality and Individual Differences*, 38, 1353–1364.
- Gomes, V., Krings, F., Bangerter, A., Grob, A. (2009). The influence of personality and life events on subjective well-being from a life span perspective. *Journal of research in personality*, 43, 345-354.
- Goodwin, R. D., & Gotlib, I. H. (2004). Gender differences in depression: The role of personality factors. *Psychiatry Research*, 126, 135-142.
- Gutierrez, J. L. G., Jimenez, B. M., Hernandez, E. G., & Puente, C. P. (2005). Personality and subjective well-being: big five correlates and demographic variables. *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.
- Harris, P. R., & Lightsey, O. R. (2005). Constructive thinking as a mediator of the relationship between extraversion, neuroticism, and subjective well-being. *European Journal of Personality*, 19, 409-426.
- Hayes, N., & Joseph, S. (2003). Big 5 correlate of three measures of subjective well-being. *Personality & Individual Differences*, 34 (4), 723-727.
- Holsen, I., Kraft, P., & Vitterso, J. (2000). Stability in depressed mood in adolescence: results from a 6-year longitudinal panel study. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 61–78.
- John, O. P. & Srivastava, S. (1999). The big five taxonomy: history, measurement, and theoretical perspectives. Pervin, L.A. & John, O. P. (Ed.), *Handbook of Personality Theory and Research*. (pp. 102-138). The Guilford Press.
- Kendler, K. S., Thornton, L. M., & Prescott, C. A. (2001) Gender differences in the rates of exposure to stressful life events and

- 
- sensitivity to their depression effects. *American Journal of Psychiatry*, 158, 587-593.
- Keyes, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002). Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, (6) 1007-1022.
  - Korotkove, D., & Hannah, T. E. (2004). The five-factor model of personality: strengths and limitations in predicting health status, sick-role and illness behavior. *Personality and Individual Differences*, 36, 187-199.
  - Lent, R. W. (2004). Toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychological adjustment, *Journal of counseling psychology*. 51, 482- 509.
  - Matud, M. P., (2004). Gender differences in stress and coping styles. *Personality and Individual Differences*. 37, 1401-1415.
  - McCrae, R.R., & Costa, P.T. (2003). *Personality in adulthood, A five factor theory perspective*, New York & London, Guilford perss.
  - McGuier, J. (2001). What is problem solving? A review of theory, research and applications. *Criminal behavior and mental health*. 11, 210- 235.
  - Nolen-Hoeksema, S (2005). *Gender differences in depression*. In: Gotlib, I. H., Hammen, C. L. (Eds.), *Handbook of Depression*. Guilford Press, New York.
  - Pavot, W. & Diner, E. (2004). The subjective evaluation of well-being in adulthood: findings and implication, *Ageing international*. 29, 113-135.
  - Petersen, A. C., Sarigiani, P. A., & Kennedy, R. E. (1991). Adolescent depression: why more girls? *Journal of Youth and Adolescence*. 20, 247-271.
  - Ptacek, J. T., Smith, R. E., & Zanas, J. (1992). Gender, appraisal, and coping: a longitudinal analysis. *Journal of Personality*, 60, 747-770.
  - Rammstedt, B., & John, O. P. (2007). Measuring personality in one minute or less: A 10-item short version of the Big Five Inventory in English and German. *Journal of Research in Personality*. 41, 203-212.
  - Reevy, G.M & Maslach, C. (2001). Use of Social Support: Gender and Personality Differences, *Sex Roles*, 44, 437- 459.
  - Reid, A. (2004). Gender and Sources of Subjective Well-Being, *Sex Roles*, 51, 617- 629.

- Robb, C., Small, B., & Haley, W.E. (2008). Gender differences in coping with function disability in older married couples: The role of personality and social resources, *Aging & Mental health*, 12, 423-433.
- Røysamb, E. (2006). Personality and well-being: In Wallrath, M.E. (Ed). *Handbook of personality and health* (115- 134). John Wiley & Sons Ltd, the Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex.
- Sieverding, M. (2002). Gender and health-related attitudes: The role of a "Macho" self-concept, In G. Weidner, M. S. Kopp & M. Kristenson (Eds). *Heart disease: Environment stress and gender*, (pp.237- 250).
- Solomon, S.D. (2002). Gender differences in response to disaster, In G. Weidner, M. S. Kopp & M. Kristenson (Eds). *Heart disease: Environment stress and gender*, (pp.267- 274).
- Steel, P., & Ones, D. (2002). Personality and happiness: A national level of analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 767-781.
- Steel, P., Schmidt, J., & Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 134, 138-161.
- Williams, P., & Wiebe, D.J. (2000) Individual differences in self-assessed health: Gender, neuroticism and physical symptom reports, *personality and individual differences*, 28, 823-835.
- Zhang, L., & Leung, J. (2002) Moderating effects of gender and age on the relationship between self-esteem and life satisfaction in mainland Chinese, *International Journal of Psychology*, 37, 83-91.